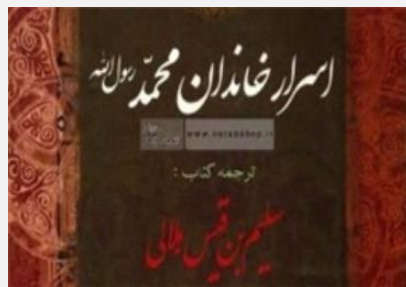


اولین تاریخ‌نگار رسمی شیعه کیست؟

سلیم بن قیس را اولین تاریخ‌نگار شیعه نامیده‌اند شیخ طوسی و دیگر راوی شناسان شیعه نام او را در شمار اصحاب امام علی، امام حسن، امام حسین، امام سجاد و امام باقر (علیهم السلام) آورده اند.



سلیم بن قیس را اولین تاریخ‌نگار شیعه نامیده‌اند شیخ طوسی و دیگر راوی شناسان شیعه نام او را در شمار اصحاب امام علی، امام حسن، امام حسین، امام سجاد و امام باقر (علیهم السلام) آورده اند.

خبرگزاری فارس - تاریخ: سلیم بن قیس را اولین تاریخ‌نگار شیعه نامیده اند. در حالی که بیش از دو سال به بعثت آخرین فرستاده الهی نمانده بود، نوزادی پا به عرصه گیتی نهاد. این کودک از خاندان هلال بن عامر بود که از نوادگان حضرت اسماعیل بن ابراهیم شمرده می شدند. از اینرو، نسب سلیم به پیامبر بزرگ الهی حضرت اسماعیل می رسد. پدرش «قیس» نام داشت. گرچه از نام و مشخصات مادر و اوصاف پدرش اطلاعی در دست نیست، اما بدیهی است آن دو در تربیت نور دیده خویش تلاشی در خور سپاس داشته اند. پدر و مادرش وی را «سلیم» نامیدند و «ابو صادق» کنیه دادند. آری، «سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی» در زمره مردان بزرگی است که نامش با تشیع و تاریخ پرمخاطره آن عجین شده است.

اینک به تماشای سیمای پرفروغ آن فرزانه می نشینیم. تنها منبع اصیل و معتبری که ما را در شناخت زندگی «سلیم بن قیس» راهنمایی می کند، کتاب مشهور و قابل اعتمادی است که خود نگاشته است. هر چند مطالب اصلی آن کتاب، درباره حوادث پرمخاطره پس از وفات رسول الله (ص) است؛ اما از خلال آن می توان به اوراقی از زندگانی وی دست یافت. به نظر می رسد. دوران کودکی و نوجوانی سلیم در زادگاهش کوفه سپری شد.

کوفه آن زمان زادگاه و خاستگاه بندگانی پاک طینت بود که همواره به عشق اسلام بسان پروانه های عاشق، گرد شمع جهان افروز رسول الله (ص) می گردیدند. هنوز بیش از دوازده سال از تولد «ابو صادق کوفی» نگذشته بود که جهان اسلام در سوگ رسول بزرگ اسلام حضرت محمد امین (ص) جامه عزای پوشید.

ساعاتی چند پس از آن حادثه دلخراش، شهر مدینه شاهد حوادثی تلخ بود. کودتای سیاسی، نظامی و فرهنگی سقیفه، علی (ع) و علویان را از ادامه سیره و سنت واقعی پیامبر اسلام باز داشت و جامعه آن روز مدینه، با نادیده انگاشتن ماجرای غدیرخم، از علی (ع) روی برگرداند و از علو باز ماند. گرچه «سلیم» در این دوران بحرانی در مدینه حضور نداشت، اما جزئیات اخبار و اطلاعات آن کودتا را از زبان رادمردانی چون علی (ع)، سلمان فارسی، ابوذر و مقداد شنید و ثبت کرد.

عاشق مدینه

سلیم در حالی وارد مدینه شد که تنها دو سال از رحلت پیامبر اسلام (ص) گذشته بود و مردم با علی (ع) و اهل بیت (ع) رفتاری ناپسند و زجرآورد داشتند. دورانی که غاصبان خلافت با توسل به انواع شیوه های ارباب، تهدید و تطمیع مردم را از گرایش به مولای متقیان باز می داشتند.

دورانی که نام «علی (ع)» را بردن با او نشستن جرمی نابخشودنی شمرده می شد. در چنین دوران دهشتناک و خفقان آوری، نوجوان چهارده ساله کوفی به مدینه آمد و با قبول همه بلاها و گرفتاریهای ویژه مدینه، نور هدایت و امامت را در کوچه های بنی هاشم یافته و با علی (ع) که مورد کینه حاکمان و زور مداران بود، انسی ویژه یافت. شجاعت و جسارت نوجوان 14 ساله کوفی و رفتار وی با کنار نهادگان سیاسی مدینه، نشان دهنده روح متعالی و اراده آهنین اوست.

با علی (ع) و علویان

سلیم، پس از ورود به مدینه، در محضر امام بزرگ شیعیان حضرت علی (ع) به فعالیت«znj»های فرهنگی و دینی پرداخت. او چنان به مولایش عشق می ورزید که بزودی از یاران خاص و قابل اعتماد آن حضرت شد.

سلیم در کتاب خویش پنجاه روایت از علی (ع) نقل کرده است. او در همین دوران، با دانشمندان و صحابی بزرگی چون سلمان، ابوذر، مقداد و عبد الله بن عباس ارتباط فکری و فرهنگی برقرار ساخت و احادیث بسیاری از آنها به خاطر سپرد.

هرچند صحابی بزرگ پیامبر (ص) سلمان فارسی، در همان اوایل حضور سلیم در مدینه، به استانداری مدائن (در حوالی بغداد) برگزیده شد؛ اما سلیم وجود گرانیهای وی را غنیمت شمرد و در همان مدت اندکی که در مدینه حضور داشت، مطالب و حوادث دوران پس از وفات پیامبر (ص) را از سلمان پرسید.

تعداد روایاتی که او از سلمان شنید، هفده مورد است. این روایات اغلب درباره تاریخ شیعه است. ابوذر غفاری از دیگر چهره‌ها؛ و ابی‌هریظه عمار بن عبد الله (ص) بود که سلیم به همراهی و همگامی با وی توفیق یافت.

سلیم در توصیف و بیان رخدادهای تاریخی شیعیان از او بسیار بهره برد و دوازده حدیث از وی ثبت کرد. سلیم در سی سالگی همراه ابوذر غفاری؛ برای اعمال حج، به مکه رفت. در آنجا ابوذر غفاری برای مردم حدیث خواند. سلیم، که خود شاهد ماجرا بود، آن را چنین بیان کرده است: «روزی ابوذر برخاست و در خانه کعبه را گرفت و با صدای بلند گفت: ای مردم، ... من از پیامبرتان شنیدم که فرمود: مثل اهل بیتم در میان امت چون کشتی نوح در میان قوم اوس؛ هر که بر آن سوار شود، نجات می‌یابد و هر که از آن تخلف کند، غرق می‌شود.» سلیم بن قیس کوفی نه تنها به اولین مظلوم تاریخ عشق می‌ورزید، بلکه همواره شیفتگان آن امام را مورد محبت قرار می‌داد.

ابوذر غفاری پس از وفات پیامبر (ص) به دلیل جانبداری از علی (ع)، از سوی خلیفه سوم عثمان به سرزمین خشک و بی‌آب و علف ریزه تبعید شد. او در حالی به سوی ریزه حرکت داده شد که نگاههای اشکبار علی (ع) او را بدرقه می‌کرد. در سال 34 هجری قمری که ابوذر در ریزه آخرین نفس‌های خویش را می‌کشید و پاداش زحمات شبانه روزی اش در راه اسلام را از سوی عثمان دریافت می‌کرد، «سلیم» آرام نگرفت؛ به سوی وی شتافت. و روایاتی از او شنید.

مرد جهاد

پس از وفات ابوذر، در سال 35 هجری قمری، سلیم به بصره رفت و در رکاب علی (ع)، در جنگ جمل شرکت کرد. در این جنگ، که از سوی طلحه و زبیر علیه امام علی (ع) طرح ریزی شده بود، 12 هزار تن از یاران علی (ع) و 120 هزار تن از دشمن حضور داشتند.

سلیم بن قیس، اولین تجربه رزمی اش را به دست آورد و ماجرای آن را در جنگ جمل ثبت کرد. وی در پایان گزارش خود را از آن جنگ می‌گوید: جنگ از سوی طلحه شروع شد و به کشته شدن وی و شکست زبیر انجامید.

حدود یک سال پس از این نبرد، جنگ صفین درگرفت. سلیم نیز در این جنگ شرکت کرد و به یاری امام خود علی (ع) شتافت. او مطالبی نیز درباره این نبرد نقل کرده است. در بخشی از کتاب سلیم آمده است: از سلیم بن قیس پرسیدند: آیا در جنگ صفین شرکت داشتی؟ پاسخ داد: آری. پرسیدند: آیا در جنگ لیلۃ الحریر حضور داشتی؟ گفت: آری. پرسیدند: آن هنگام چند ساله بودی؟ سلیم گفت: چهل ساله. سپس خاطراتی از آن جنگ نقل کرد. برخی از تاریخ نگاران، به یاری همین پرسش‌ها و جواب‌ها، تاریخ تولد سلیم را به دست آورده‌اند.

سلیم پس از صفین در سال 38 هجری قمری همراه امام علی (ع) به کوفه برگشت و بی‌درنگ به مدائن رفت. در سال 39 هجری، برای جنگ با خوارج، عازم منطقه نهروان شد و در آن نبرد شرکت کرد. سلیم در تمامی این صحنه‌های سرنوشت ساز یاور مولایش علی (ع) بود و دفاع از وی را وظیفه خویش می‌دانست. همراهی او با علی (ع) تا شهادت آن امام تا بزرگوار ادامه یافت.

روایت اشک

سلیم درباره وضعیت امام علی (ع) قبل از شهادت و نیز وصیت او به فرزندان مطالبی قابل توجه نگاشته است. مطالب وی چنین آغاز می‌شود: هنگام وصیت امیر المؤمنین (ع) به فرزندش امام حسن (ع) حاضر بودم. حسین (ع) و محمد و تمامی فرزندان و بزرگان اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیانش نیز حضور داشتند. حضرت کتاب و شمشیرش را به امام حسن (ع) داد و فرمود: فرزندانم، پیامبر (ص) به من دستور داده تو را جانشین خود کنم و کتاب و شمشیرم را به تو

بسپارم...؛ و همچنین پیامبر به من دستور داد سفارش کنم این ودیعه ها را هنگام مرگت به برادرت حسین بدهی؛ سپس به فرزندش حسین (ع) فرمود: پیامبر به تو نیز دستور داده آن را به فرزندت علی تحویل دهی و آنگاه به علی بن الحسین (ع) فرمود پیامبر (ص) دستور داده آن را به فرزندت محمد بدهی. سلام پیامبر و من را به او برسان.

عشق و اردات آن مرد اندیشمند به علی (ع) و نقل و ثبت روایات متعدد در فضایل و مناقب ائمه معصومین (ع) فقیهان و دانشمندان بزرگ دین را بر آن داشت تا از سلیم به نیکی یاد کرده، او را مورد ستایش قرار دهند.

شیخ مفید در «الاختصاص»؛ پس از معرفی سلیم، می نویسد: وی از برگزیدگان و پیشمرگان پنجگانه علی (ع) است. نه تنها بزرگان شیعه، بلکه اهل سنت نیز از سلیم یاد کرده، وی را ستوده اند. ابن ندیم در کتاب «الفهرست»؛ نظر یکی از راویان شیعه را پذیرفته، سخن او را چنین نقل کرده است: سلیم انسانی متعبد به امور دینی بود و نورانیتی داشت که سبب برتری مقامش می شد.

از نجف تا منا

این شخصیت برجسته میدان «ZWNJ»های علم و جهاد، پس از شهادت مولایش علی (ع)، پیروی از ولایت را رها نکرد و در شمار یاران امام حسن مجتبی (ع) قرار گرفت. سلیم می گوید: بعد از شهادت امام علی (ع)، امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) را در مدینه ملاقات کردم.

حدیثی را، که از پدرشان شنیده بودم، برای آنان خواندم. آنها فرمودند: راست گفتی، وقتی پدرمان این حدیث را برای می خواند، ما حاضر و شاهد بودیم. ابن شهر آشوب در کتاب «المناقب»؛ به معرفی ائمه (علیهم السلام) پرداخته، هنگام شمارش اصحاب امام حسن (ع) می گوید: یاران امام حسن (ع) افرادی از قبیل رشید، حجر... و سلیم هستند. سلیم بن قیس خدمت امام حسن (ع) حضور یافت و ضمن حمایت و دفاع از وی، به ثبت وقایع تاریخی آن روزگار پرداخت. او در کتابش سه روایت از آن امام نقل کرده است.

پس از شهادت مظلومانه امام حسن (ع)، سلیم همچنان به عهد خویش وفادار ماند و به حضور سالار شهیدان امام حسین (ع) رسید. پشت پازدن به نام و نان معاویه و اعتنا نکردن به دشنه و دشنام او، کاری نبود که ناخالصان و افراد سست عنصر از عهده آن برآیند.

گرایش به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام)، در دوران حکومت استبدادی معاویه، به جسارتی ویژه و اراده ای خلل ناپذیر نیاز داشت. سلیم، برغم همه مشکلات و خطرات، گام عزت پیش نهاد و در شمار اصحاب آن دو امام بزرگوار واقع شد. ارتباط عاطفی سلیم با امام حسین (ع) به حدی بود که با شنیدن خبر مسافرت وی از کوفه به مدینه آمد و با وی همسفر شد. در سال 58 قمری، که امام حسین (ع) برای زیارت خانه خدا به مکه شتافت، سلیم کوفی خود را به وی رساند و در جلسه بسیار مهم آن حضرت در منا شرکت کرد.

امام حسین (ع)، در این جلسه تاریخی با ذکر مطالبی درباره معاویه و اعمال او، اولین جرقه های قیام و انقلاب خویش را در دل شیعیان فروزان کرد. سلیم بن قیس جزئیات مطالب مطرح شده در آن جلسه را در کتاب خویش نگاشت. او، علاوه بر ماجرای فوق، روایتی دیگر نیز از آن امام بزرگوار نقل کرده است. از این تاریخ تا پس از شهادت امام حسین (ع) در سال 61 هجری قمری، خبری از سلیم ثبت نشده است. برخی از محققان احتمال می دهند او این مدت را، همراه جمعی از شیعیان، در زندان ابن زیاد به سر برد.

تاریخ نگار راستگو

پس از شهادت امام حسین (ع)، سلیم به محضر فرزندش امام سجاد (ع) رسید و در شمار اصحاب او قرار گرفت. سلیم از آن امام حدیث نقل کرده است. وی در حدیث دهم خویش می گوید: با علی بن الحسین (ع) ملاقات کردم و مطالبی که از پدر و عمویش (علیهما السلام) شنیده بودم، برایش گفتم. افتخار ملاقات با امام باقر (ع) نیز نصیب سلیم شده است.

ابان بن ابی عیاش می گوید: هنگام حج، امام باقر (ع) را ملاقات کردم و تمامی حدیث دهم را، که سلیم نگاشته بود، بی آنکه حتی یک حرف از آن کم کنم، برای وی خواندم... امام (ع) فرمود: سلیم راست گفتار است. سپس ادامه داد: پس از شهادت جدم ابا عبد الله الحسین (ع)، در حالی که نزد پدرم نشسته بودم، سلیم همین حدیث را برایم خواند و

پدرم صحت گفتارش را تصدیق کرد. بر اساس همین اخبار و گزارشها، شیخ طوسی و دیگر راوی شناسان شیعه نام سلیم بن قیس را در شمار اصحاب امام علی، امام حسن، امام حسین، امام سجاد و امام باقر (علیهم السلام) آورده اند.

در کتاب «ریحانة الادب»؛ چنین می خوانیم: او از اجلای محدثان شیعه و بزرگان اصحاب امام علی (ع) و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) و امام سجاد و امام باقر (علیهم السلام) و نزد همه آنان در غایت محبوبیت و به منزله ارکان اربعه بود... اخبار زیادی در مدح سلیم وجود دارد. علامه امینی نیز می گوید: سلیم از کسانی است که شیعیان و اهل سنت به او و مطالب کتابش استناد جسته، بدان استدلال می کنند.

برای کتابم

در سال 75 هجری قمری، حکومت حجاج خون آشام بر عراق و کوفه شروع شد و قلع و قمع پیروان واقعی رسول الله (ص) به اوج رسید. سلیم بن قیس، که تا این زمان با استفاده از تدابیر حکیمانه خود و نوشته های گرانبایش را حفظ کرده بود، مورد خشم حجاج قرار گرفت. حجاج دستور داد تا سلیم را دستگیر کنند و به قتل برسانند. سلیم از کوفه گریخت؛ به طرف ایران حرکت کرد و در منطقه «نوبندجان فارس»؛ (نورآباد ممسنی) سکونت گزید.

روایت پرواز

در اوایل سال 76 هجری، در حالی که سلیم در منزل یکی از دوستانش به نام «ابان»؛ در نوبندجان به سر می برد، بیمار شد و به سوی معبودش شتافت. «ابان بن ابی عیاش»؛ شیعه نوبندجانی و دوست صمیمی سلیم در مقدمه کتاب سلیم مطالبی بیان کرده است که وضعیت زندگانی سلیم در اواخر عمرش را تا اندازه ای روشن می سازد. او می گوید: وقتی حجاج وارد عراق شد، قصد کشتن سلیم کرد. او متواری شد؛ در نوبندجان نزد من آمد و در خانه ما سکونت گزید. در آن روزگار، من چهارده سال داشتم و می توانستم قرآن بخوانم. از وی می پرسیدم و او نیز از اهل بدر به من خبر می داد.

احادیث زیادی از زبان او شنیدم، ولی آنها را پنهان کردم... دیری نیاید که مرگش نزدیک شد. در این هنگام، مرا طلبید و در خلوت با من چنین گفت: ای ابان، ... این کتاب را به شرطی به تو می سپارم که درباره آن با کسی سخن نگوئی و بعد از مرگم، هیچ یک از احادیث آن را برای کسی نقل نکنی؛ مگر آنکه همانند خودت به او اطمینان داشته باشی؛ و اگر اتفاقی برایت پیش آمد، آن را به یکی از شیعیان مورد اعتماد و دیندار و آبرومند علی بن ابی طالب (ع) بسپاری. من آن شرطها را پذیرفتم. او کتاب را به من سپرد و همه احادیث آن را برایم خواند.

دیری نگذشت که روح از پیکرش گرفته شد. ابان، پس از ذکر مطالبی در این باره، ادامه می دهد: در همان سال (76 قمری) به سفر حج رفتم و خدمت امام سجاد (ع) حضور یافتم؛ و ابو الطفیل و عمر بن ام سلمه نیز در آنجا حضور داشتند. من سه شبانه روز کتاب را برای امام سجاد (ع) خواندم تا اینکه ایشان فرمود: «سلیم راست گفته است. همه اینها احادیث ماست که از آنها خبر دارم.»؛ از آنجا که عمر بن ام سلمه در سال 83 هجری وفات کرد و بی تردید وفات سلیم قبل از این تاریخ تحقق یافت؛ بسیاری از پژوهشگران تاریخ وفات سلیم را سال 76 هجری قمری دانسته اند.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه